

خبرها

صدا و سیما برترین قطعات

تاریخ موسیقی ایران را معرفی می کند

مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران با نظرسنجی از هنرمندان عرصه شعر و موسیقی یک صد قطعه از برترین قطعات تاریخ موسیقی ایران را معرفی کرده و از پدیدآورندگان آن آثار تجلیل خواهد کرد. رئیس مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما در نامه‌ای که به ۱۵۰۰ نفر از هنرمندان شعر و موسیقی نوشت از آنها خواست تا هرکدام ۱۰ اثر برگزیده موسیقی را به این مرکز معرفی کنند. پس از جمع‌آوری این نظرسنجی در شورایی که متشکل از چهره‌های برتر عرصه شعر و موسیقی خواهد بود یک‌صد اثر موسیقی که در بین هنرمندان با بیشترین اقبال مواجه باشد، انتخاب شده و در جشنواره‌ای که اواخر تابستان برگزار می شود، از آن آثار و پدیدآورندگان آن تجلیل خواهد شد.
کرم‌رضا پیریایی رئیس مرکز موسیقی صدا و سیما گفت: ویژگی برتر این جشنواره این خواهد بود که برگزیدگان آن از سوی هنرمندان و کارشناسان شعر و موسیقی انتخاب خواهند شد.

آلبوم جدید نام یورک

ترجمه آژاده فرامرز ی‌ها: تام یورک خواننده گروه آلترناتیو راک قرار است اوایل ماه جولای آلبوم تک‌نفره The Eraser یا پلک‌ن را به بازار عرضه کند. البته او گفته که اصلاً دوست ندارد شباعی دربارهٔ آرم‌هم پاشیده شدن گروهش یا حتی کلمه کار تک‌نفره سلو را بشنود! او معتقد است که این آلبوم به تشویق و با همراهی سایر اعضای گروه تهیه شده است. کمپانی عرضه‌کننده این آلبوم پیش‌بینی می‌کند که آلبوم روز ۱۰ جولای در انگلستان و ۱۱ جولای در آمریکا ارائه شده و در دسترس قرار داشته باشد. تام یورک در باره آلبوم جدیدش می‌گوید: «این آلبوم حاصل دغدغه‌های چندین ساله من است که هر از گاهی مرا به انجام این کار و پایان بخشیدن به این دغدغه‌ها برمی‌انگیزت. این کار بالاخره روزی باید انجام می‌شد. تهیه آلبوم کار بسیار جالب و خوبی بود و خیلی سریع انجام شد.» به گفته او این آلبوم به‌آهنگه بسیار از تکنیک‌های صدایی الکترونیکی بهره گرفته‌است اما شعر و آهنگ نیز دارد. ری‌دیوهد هم اکنون یک تور دور اروپا دارد و پس از پایان یافتن آن در ماه آگوست، گروه قصد دارد کار بر روی هفتمین آلبومش را آغاز کند.

تور گروه آلیس این چینز

گروه راک سیاتلی Alice In Chains یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های راک اوایل دهه نود که با از دست دادن خواننده‌اش تقریباً از هم پاشیده شده بود، امسال پس از سه ده اولین تور خود را با کمک دوستان مشهور خود و در روز پنجشنبه ۱۸ مه از شهر لس‌آنجلس به راه انداخت. بیلی کورگن مرد اول گروه Smashing Pumpkins و مارک لنگان عضو سابق گروه Screaming Trees به عنوان خوانندگان گروه بر سر صحنه ظاهر خواهند شد و نوازنده بیس گروه ولوت ریولور نیز به عنوان نوازنده گیتار در چند آهنگ، گروه را همراهی خواهد کرد. این تور پس از لس‌آنجلس در چهار شهر دیگر آمریکا، سن دیگو (۱۹ مه)، شیکاگو (۲۱ مه)، بوستون (۲۲ مه) و نیویورک (۲۳ مه) اجرا خواهد شد. سپس از روز ۲۶ مه و در شهر لیبسون تور اروپا آغاز خواهد شد. آخرین تور این گروه راک در ماه‌های ژوئن و جولای ۱۹۹۶ و به همراه گروه کیس انجام شده بود. خواننده این گروه در آوریل سال ۲۰۰۱ جان سپرد. آهنگ‌های اجرا شونده در این کنسرت‌ها تماماً از آلبوم‌های قبلی گروه برداشت شده است.

پرنس چارلز موسیقی لئونارد کوهن را می ستاید

پرنس چارلز شاهزاده بریتانیایی که طبع نسبتاً افسرده و درون‌نگرای او همواره مورد انتقاد قرار گرفته است، اخیراً اعلام کرد که لئونارد کوهن یکی از بزرگ‌ترین خوانندگان مورد علاقه‌اش است. چارلز ۵۷ساله به همراه دو پسرش پرنس هری و پرنس ویلیام چندی پیش در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت و درباره طرز فکر و سلاقتش شفاهی ملت‌ها است باعث مصاحبه جالب به روشنی فاصله دو نسل را بین این «شاهزاده فیلسوف» که معنای زندگی ذهن او را به شدت آشفته می‌کند و پسر جوانش که سیفخته سلیقه باب‌روز است، نشان می‌دهد. وقتی چارلز راجع به کوهن صحبت می‌کرد، ویلیام پرسید: «کوهن نوازنده جاز است؟» پرنس چارلز، کوهن را مردی فوق‌العاده توصیف می‌کند و می‌گوید: «او هم از نظر موسیقایی (آهنگسازی، ترکیب سازها و …) و هم در ترانه‌سرایی نمونه‌ای بارز به حساب می‌آید. صدا ی او افسانه‌ای است.» لئونارد کوهن علاوه بر موسیقی زیبایی‌ش پوشیدن لباس‌های تیره، ترانه‌های غمگین و افسرده و صدای یکنواخت و عمیقش شهرت دارد. به گفته مجله Hello «لئونارد کوهن بهترین انتخاب یک فرد درون‌گراست.» چارلز نیز مانند کوهن روحیه بدبینانه و نگاه منفی به زندگی دارد. او با کوهن احساس نزدیکی عجیبی می‌کند.» پنی جونور یوگرافی نویس خاندان سلطنتی بریتانیا نیز با این عقیده موافق است: «روح این دو نفر با یکدیگر گره خورده است.»

تور داجر اوترز

راجر واترز هنرمند مشهور گروه پینک‌فلوید از روز ۲ ژوئن ۲۰۰۶ تور خود را از شهر لیبسون پرتغال آغاز کرده و ۱۶ تا جولای تقریباً در تمام‌ای کشورهای اروپایی کنسرت خواهد داشت. این تور در تاریخ ۲۰ ژوئن به ترکیه رسیده و در شهر استانبول برگزار خواهد شد. در این کنسرت بزرگ راجر واترز قرار است آهنگ‌های مختلفی از آلبوم‌های قبلی پینک فلوید را همراهی یک نفر خود و همچنین آلبوم جازدانی گروه Dark Side of the Moon را به طور کامل اجرا کند که برای این منظور در محل برگزاری کنسرت ویدئو پروژکتورهای عظیم و سیستم‌های صوتی پیشرفته کار گذاشته شده است.
بلیت‌های این کنسرت بزرگ هم‌اکنون در حال فروش است. نکته قابل توجه درباره این تور، همراهی نیک میسون نوازنده دارم گروه پینک فلوید در چند اجرا در شهرهای مختلف اروپا است.

پرداختن به موسیقی خراسان، اولین تجربه کاری شما است. بعد از اینکه «کردانه» به زبان کردی و با صدای شما منتشر شد «ماه عروس» با تم خراسانی به بازار آمد، در حالی که شما پیش از این دو کار، فقط در زمینه آواز ایرانی آثاری منتشر کرده بودید. چطور به این تجربه رسیدید؟

اول باید به نکته‌ای اشاره کنم و آن اینکه، این نوع کارها که ما اجرا می‌کنیم، ظاهراً موسیقی محلی است اما نمی‌توان آن را موسیقی محلی نامید و تلقی من از موسیقی محلی این نیست. موسیقی محلی در فضا و جغرافیا و با سازهای خود اجرا می‌شود و ریتم و سایر مختصات مخصوص خود را دارد. به کارهایی که با ارکستر سازهای ایرانی و سنتی اجرا می‌شود، نمی‌شود موسیقی محلی اطلاق کرد. نه سنووریتیه سازها، سنووریتیه محلی است و نه در همان فضا و با همان شرایط اجرا می‌شود. بنابراین من این نوع موسیقی را موسیقی شهری شده محلی می‌دانم. اما درباره چگونگی رسیدن به این تجربه باید بگویم یکی دو سال پیش آقای متبسم که اصالتاً خراسانی هستند و از دوستان و هم‌نسلان و همکاران ما در کانون فرهنگی هنری چاووش سابق بودند، اجرای این کار را که بخش های گروهی بدون کلام آن، ۸ سال پیش انجام شده بود، پیشنهاد کرد و من بعد از گوش دادن و پذیرش اجرا مدتی روی طراحی و چگونگی اجرای آن و همچنین انتخاب شعر و آوازها که معمولاً توسط خواننده انجام می‌شود، کار کردم که بالاخره آماده و ضبط شد.

■ **اجرای این موسیقی شهری شده محلی البته در ایران گذشته از حسن هایش**، عیب هایی مضافه دارد. چرا که موسیقی محلی که با نوازندگان و خوانندگان غرمحلی اجرا می‌شود، به مرور زمان تغییر می‌کند و از اصل خود فاصله می‌گیرد.

در کشورهای مثل کشور ما که کمتر به حفظ مواریث فرهنگی توجه می‌شود، بله چنین اتفاقاتی می‌افتد. اما در کشورهایی که پشتوانه نگهداشت قوی فرهنگ خود را دارند، به هنرها از جمله هنر موسیقی بهای بسیاری می‌دهند و به همین دلیل راه برای تجربیات درست هنری فراهم است و تجربیاتی از این دست که می‌تواند راهگشای دستیابی به حوزه‌های نو باشد، لطمه‌ای به اصل آن آثار وارد نمی‌کند، چرا که از اصل به خوبی و طبق برنامه‌ریزی‌های دقیق هم توسط مسئولان و حتی خود مردم حفظ و مراقبت می‌شود.

■ می‌دانید که اینجا به آن اصل توجه زیادی نمی‌شود. یعنی آن اصل را نداریم و موسیقی شهری شده محلی را جایگزینش می‌کنیم. بنابراین مخاطب هیچ وقت نمی‌فهمد موسیقی که می‌شنود، با اصل چقدر فاصله دارد.

آن اصل را کمابیش داریم اما متأسفانه حفظ و نگهداری نمی‌شود و در ابعاد وسیع و حتی محدود به گوش مخاطب نمی‌رسد. در بسیاری از کشورها، میراث فرهنگی و کهن برای مردم اهمیت فراوان دارد و دولت هم بودجه و امکانات لازم و خوبی برای نگهداشت سنت‌ها صرف می‌کند. در حالی که در کشور ما قطعاً این طور نیست و بی‌توجهی به موسیقی محلی که بخشی از تاریخ شفاهی ملت‌ها است باعث نابودی آن می‌شود. بهترین هنرمندان موسیقی مناطق ما گمنام‌ترین و بی‌امکان‌ترین آدم‌ها هستند. این بی‌توجهی‌ها باعث می‌شود که مثلاً در بلوچستان فقط یک یا دو نوازنده ساز خاصی مثل دونلی داشته باشیم که بعد از رفتن آنها هیچ جایگزینی وجود ندارد.

موسیقی شهری هم همین‌طور است. در نوازندگان مناطق اکثراً در فقر و شوربختی زندگی می‌کنند و حتی از مرگ ایشان باخبر نمی‌شویم. آثاری که من به آن موسیقی شهری شده محلی می‌گویم مشروط بر اینکه لت و پار و مثله نشود به شناساندن این نوع موسیقی کمک می‌کند. مثلاً در همین اجرا زمان‌بندی متفاوت است و در حقیقت ما اجرای دیگرگونه و تجربه دیگری از موسیقی خراسان یعنی همان اجرای شهری شده و برداشت خود را از ملودی‌های محلی داشته‌ایم. باید از طریق رسانه‌های گروهی، آن اصل به مردم شناسانده شود و حتی چگونگی مراحل تغییر و تبدیل استفاده از موسیقی مناطق برای علاقه‌مندان به این گونه مباحث از طریق رسانه‌ها صورت گیرد و اینکه چطور اصل موسیقی محلی تبدیل به آهنگ‌هایی می‌شود که سازهای موسیقی سنتی آن را اجرا می‌کنند. نمی‌شود گفت چون به اصل توجه نمی‌شود، ما هم نمی‌توانیم برداشت خود را از موسیقی داشته باشیم اگرچه کسانی که به بازسازی و اجرای موسیقی مناطق دست می‌زنند، باید صلاحیت و دانش لازم را داشته باشند. البته ما مدعی نیستیم که حتماً صلاحیت و دانش این کار را داشته‌ایم اما این کار را یک تجربه سالم می‌دانیم. بدیهی است از ملودی‌های محلی نباید فقط برای زیبایی و رنگ دادن به قطعه بلکه باید در جهت پروسه طبیعی و سالم موسیقی استفاده کرد. از معایب آن هم این است که متوجه نباشیم این موسیقی به مرور زمان چقدر تغییر می‌کند، چون کسانی که این موسیقی را در شهرها اجرا می‌کنند، در نزد مردم معروف‌تر هستند، شاید کار آنها در نظر عموم به عنوان اصل این موسیقی‌ها جا بیفتند، در حالی که این صورت تغییر شکل یافته آن است. این نیاز به برنامه‌ریزی وسیع فرهنگی دارد که ظاهراً چنین برنامه‌ریزی‌ای در ابعاد وسیع نداریم و این برنامه در دستور کار مسئولان و متولیان نیست و عجب هم نیست که نباشد.

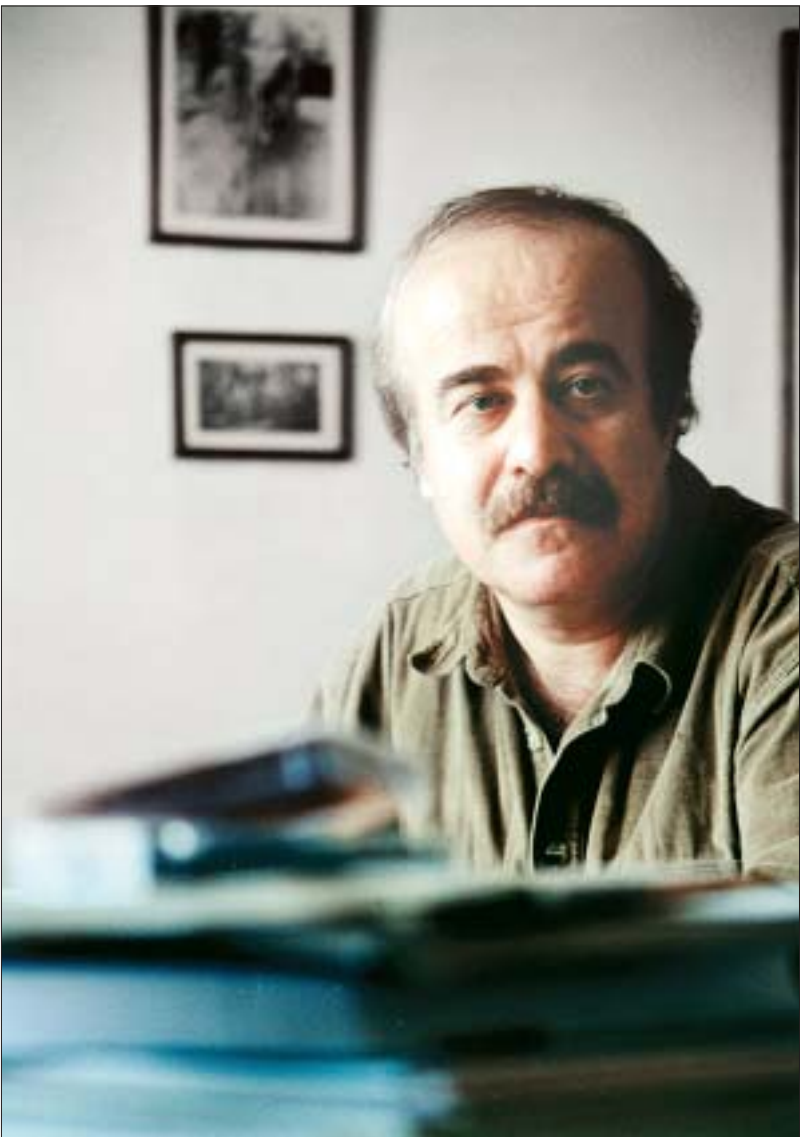
■ **فکر می‌کنید با توجه به اینکه در «کردانه» شما آوازهای کردی خوانده‌بودید و در ماه عروس لحن شما خراسانی است**، مخاطب چقدر این لحن و فضای جدید را باور می‌کند؟

موسیقی و تجسمی

گفت‌وگو با صدیق تعریف به مناسبت انتشار آلبوم «ماه عروس»

آوازهای کوهستان

سارا سعیدی



خواننده خوب مثل یک بازیگر خوب است و باید سعی کند از پس نقشی که به او واگذار شده، به خوبی بر بیاید. این را «صدیق تعریف» می‌گوید. بعد از تجربه «کردانه» که ۸ تصنیف در موسیقی کردی را شامل می‌شد و در حقیقت تصنیف‌های سرزمینی است که خواننده در آن به دنیا آمده‌است، این بار انگار موسیقی و آواز خراسان به سراغ او رفته است. سفری از غرب به شرق ایران. «ماه عروس» به گفته حمید متبسم آهنگساز آن، تنها به دلیل متأثر بودن از موسیقی خراسان و بهره‌وری از چند نغمه محلی مانند «لیلا خانم» و دو نغمه ترکیبی و همچنین اشعاری به لهجه مشهدی، می‌تواند ادعای خراسانی بودن داشته باشد. در حالی که ترکیب سازها سنخیت چندانی با سازهای خراسان و سنووریتیه آنها ندارد. بیشتر نوازندگان این اثر که «دستان» سال‌های گذشته را تشکیل می‌دهند و همچنین خواننده برخاسته از سرزمین کردستان هستند و تجربه‌ای در زمینه اجرای موسیقی خراسان نداشته‌اند. با این وجود «ماه عروس» اثری است که شنونده را تا کوه‌های بلند این سرزمین می‌برد، هوایی تازه همچون هوای کوهستان در او می‌دمد و او را با حال و هوای تقریبی ملودی‌ها و آواهای خراسان آشنا می‌کند. این آلبوم شامل مقدمه، ساز و آواز با شعر مهدی اخوان‌ثالث، چهارمضرب، ساز و آواز با شعر ۱. سایه، تصنیف ماه عروس با شعر ملک‌الشعرا بهار، رنگ، تکنوازی سه‌تار، ترانه لیلا خانم با اشعار محلی، ساز و آواز با اشعار ۱. سایه و باپاطاهر و ترانه بالالند با تلفیقی از دو نغمه محلی خراسانی است. ماه عروس دوازدهمین آلبومی است که با صدای تعریف منتشر می‌شود و روایت او از موسیقی محلی روایتی است شخصی که او با گوش سپردن به موسیقی خراسان و صحبت با افراد مختلف به آن رسیده است. ساز و آواز با شعر مهدی اخوان‌ثالث شروع می‌شود و تعریف به علت نزدیکی روحی با شاعر در لحظه خواندن اثر به او فکر می‌کند. بخش سازی ماه عروس توسط ۸ نوازنده و ۱۱ ساز اجرا شده است که از نوازندگان آن می‌توان به حمید متبسم نوازنده تار و سه‌تار، حسین بهرورزی نیا نوازنده عود، فروهری نوازنده نی و مسعود خضری نوازنده دوتار اشاره کرد.

امروزه در اجرای موسیقی سنتی خیلی از ویژگی‌ها و اصول موسیقی قدیم رعایت نمی‌شود. مثلاً در حوزه ریتم، در ریتم‌های موسیقی قدیم ریتم‌های خاص و پیچیده‌ای وجود دارد که امروزه بسیار کم و به ندرت از آنها استفاده می‌شود. البته یادگیری و استفاده از آن هم کار چندان آسانی نیست. موسیقی مناطق هم با اجرای گروه‌ها شهری شکل دیگری پیدا می‌کند و از اصل خود فاصله می‌گیرد. آن موسیقی بکرتر و ناب‌تر است که در همان اقلیم، با همان اتمسفر و توسط همان آدم‌ها اجرا شود. به محض اینکه آن را در سالن می‌آوریم حال و هوایش عوض می‌شود. گذشته از این من مدعی این نیستم که لحن کاملاً خراسانی داشته‌ام. در «ماه عروس»، سه تصنیف خواننده‌ام که اولین‌اش را آقای متبسم تحت تأثیر موسیقی خراسان ساخته و ریحی که در آن اجرا شده «لیلا خانم» و «بالا بلند» که هر دو از تصانیف قدیمی مردم خراسان هستند. من اجرای اصلی لیلا خانم را نشنیده‌ام و اجرا و تنظیم قبلی را که فکر می‌کنم توسط آقای پاپور و گروهشان اجرا شده بود، سال‌های قبل گوش کرده‌ام و از تصنیف بالا بلند هم اجرایی نشنیده‌ام. البته اگر می‌شنیدم تفاوتی نمی‌کرد، چون این اجرای من با اجرای اصل فرق می‌کند. ریتم و حال و هوای ارکستر عوض شده و من مینا را فضای کلی موسیقی خراسان گذاشته‌ام.

۲- **قصد من اجرای نعل به نعل از آواز خراسان نبوده است. در همین آلبوم هم فقط یک تصنیف یعنی ماه عروس که براساس قصیده معروف شادروان ملک‌الشعرای بهار با گوش خراسانی خوانده شده، بقیه گویش خاصی ندارد و به زبان سلیس فارسی نوشته شده است.**

بهرین شکل اجرا کند. من در حقیقت سرانجام سعی کرده‌ام روایت خود را از کار داشته باشم. سعی کرده‌ام با گوش کردن به موسیقی خراسان به آن حال و هوا برنامه‌ریزی وسیع فرهنگی دارم که ظاهراً چنین برنامه‌ریزی‌ای در ابعاد وسیع نداریم و این برنامه در دستور کار مسئولان و متولیان نیست و عجب هم نیست که نباشد.

■ **فکر می‌کنید با توجه به اینکه در «کردانه» شما آوازهای کردی خوانده‌بودید و در ماه عروس لحن شما خراسانی است**، مخاطب چقدر این لحن و فضای جدید را باور می‌کند؟
به عنوان اصل این موسیقی‌ها جا بیفتند، در حالی که این صورت تغییر شکل یافته آن است. این نیاز به برنامه‌ریزی وسیع فرهنگی دارد که ظاهراً چنین برنامه‌ریزی‌ای در ابعاد وسیع نداریم و این برنامه در دستور کار مسئولان و متولیان نیست و عجب هم نیست که نباشد.

■ **فکر می‌کنید با توجه به اینکه در «کردانه» شما آوازهای کردی خوانده‌بودید و در ماه عروس لحن شما خراسانی است**، مخاطب چقدر این لحن و فضای جدید را باور می‌کند؟

این تجربیات به ندرت پیش می‌آید. البته دلیلی نداشت که این کار را قبلاً تجربه کنم. بعد از موسیقی سنتی اولویت و انتخاب من برای اجرا موسیقی کردی است. در واقع من تصمیم نگرفتم که کاری در حال و هوای موسیقی خراسان اجرا کنم. در حقیقت این کار مرا انتخاب کرد نه من این کار را! البته تجربیاتی مثل «ماه عروس» در پروسه زندگی یک هنرمند همیشگی نیست.

■ **اما کسانی که در موسیقی سنتی فعالیت می‌کنند و به عنوان خوانندگان موسیقی سنتی معروف هستند، کمتر پیش می‌آید محلی بخوانند.**

پیش می‌آید اما موردی. آنچه بدیهی است این است که من همچنان موسیقی ایرانی خواهم خواند، اما تجربیات اینچنینی را هم دوست دارم و باز هم این امکان شانس هست که در مسیر اجرای کارهایی از این دست قرار بگیرم.

■ **موسیقی خراسان لحن‌های متفاوتی دارد، درست است؟**

بله. حتی در این استان موسیقی شمال، جنوب، موسیقی شرق و غرب با یکدیگر متفاوت است. روستا به روستا لهجه‌ها و گویش‌ها فرق می‌کند و هر منطقه ساز خاص خود را دارا است. البته این ویژگی‌ها و خصوصیات شامل همه نقاط جهان از جمله ایران می‌شود. همانند زبان هر منطقه که بنابر خصوصیات اقلیمی، فرهنگی، تاریخی و . . . شهر به شهر و روستا به روستا می‌توان تفاوت‌هایشان را دید.

■ **شما لحن خود را چطور انتخاب کردید؟**

قصد من اجرای نعل به نعل از آواز خراسان نبوده است. در همین آلبوم هم فقط یک تصنیف یعنی ماه عروس که براساس قصیده معروف شادروان ملک‌الشعرای بهار با گویش خراسانی خوانده شده، بقیه گویش خاصی ندارد و به زبان سلیس فارسی خوانده شده است. البته با وسواسی که به خرج داده‌ام فکر می‌کنم توانسته‌ام لهجه‌ام را به لهجه خراسانی نزدیک کنم و تمام تلاشم را کرده‌ام و قدر مسلم این که هرچقدر هم تلاش و وسواس به خرج بدهی باز نمی‌توان با دقت یک خواننده بومی خراسانی اجرایش کرد. در حقیقت در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت تلاشی بوده است تا اجرایی ارکسترال و شسته‌رفته از موسیقی خراسانی به دست دهیم، بدون اینکه مدعی آن بوده باشیم که این کار محلی خراسانی است. اساساً این ستارخ و ترکیب برای خودش اهداف و دورنمای دیگری دارد.

■ **برداشتی که از موسیقی خراسان داشتید چه فضاهای تازه‌ای برای شما به وجود آورد؟**

در ابتدای آلبوم ماه عروس، بعد از مقدمه ارکستر آوازی خواننده‌ام بر روی اشعاری از شاعر بلندمرتبه و بلندآوازه خراسانی مهدی اخوان‌ثالث که ارادتی دیرینه و ویژه به این بزرگوار دارم، همراه با چند خاطره عزیز از دیدارهایم با ایشان، این آواز برداشتی است آزاد از موسیقی خراسانی و به یاد آن بزرگمرد. حتی نمی‌دانم این آواز در چه گوشه و مقامی از آواز خراسانی جای می‌گیرد. جایی شنیدم گویا شبیه گوشه و مقامی به نام قوچانی است. علاوه بر این آواز و چند قطعه آوازی دیگر، عشاقی خوانده‌ام که فکر می‌کنم حال و هوایش ریشه در آواز قدما دارد و همچنین آوازی در گوشه دشتستانی که متفاوت از حال و هوای همیشگی اجرای ردیفی آن بر روی دوبیتی از ه. الف. سایه که قالب دوبیتی از منظر آوازی یعنی قالب صوتی آوازی آن را گسترده‌تر کرده‌ام البته بدون مخدوش شدن این گوشه در چارچوب ردیف.

اساساً نوآوری با کار جدید متفاوت است. نوآوری خیلی بطنی و ظریف است و ممکن است سریع به چشم نیاید. نوآوری یعنی نوشتن کیفی موسیقی نه کمی.

■ **دلیل وقفه‌ای که در انتشار ماه عروس پیش آمد چه بود؟**

این کار ۸ سال پیش ضبط شده بود و بنا به دلایلی موقع منتشر نشد. من در همه مراحل اجرای آلبوم حضور مستمر داشته‌ام. از مراحل هنری تا مراحل فنی، اطلاع‌رسانی، پخش و . . . پخش این کار به بخش خصوصی واگذار شد و از مراحل واگذاری، پخش تا توزیع این هم یک سال و یک هفته به وجود آمد.

■ **همچنان قصد ندارید در ایران کنسرتی برگزار کنید؟**
اجرای کنسرت خصوصاً کنسرت موسیقی ایرانی در ایران توام با مشکلات و معضلاتی است که گاهی این مسائل هیچ ارتباطی با اصل موضوع که همان کنسرت باشد، ندارد. مسائل و مصائبی که تحمل و یارایی آن برای هر کسی میسر نیست و اگر هم باشد تبعات آن موسیقی خراسان اصالت و روح و روان آدم را به هم می‌ریزد. به خصوص برای کسی که سخت‌گیر باشد و وسواس زیاد هم داشته باشد و آفتد در پیچ و خم و چمبر اداری و غیراداری و قوانین نوشته و نانوشته و تبعات آن گیر می‌افتد که اصل قضیه یعنی کنسرت در درجات بعدی مسائل قرار می‌گیرد. سرانجام پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف، با اعصاب متشنج و روح و روان و جسمی مجاله شده روی صحنه می‌روی و نتیجه کنسرت حتی اگر به ظاهر موفقیت‌آمیز باشد، خستگی مغرط ناشی از آن مشکلات بر جان و تن و روح آوار می‌شود و لذت لازمی را که باید از اجرای کنسرت ببری، نمی‌بری. لذت و نیازی طبیعی برای شکفتن، نو شدن و پوست انداختن. در کنسرت‌های خارج از ایران همه چیز از زمان بستن قرارداد تا پایان انجام آن روشن و مشخص است و تو فقط وظیفه‌ات را که همان آواز خواندن است، با آرامش انجام می‌دهی. با آرامش و تمرکز روی صحنه می‌روی و با همان حال هم از صحنه خارج می‌شوی. کاری که به چند و چون و تبعات ریز و درشت آن ندارد. کوتاه آنکه اجرای کنسرت در دست موقعیت کنونی برابم دشوار است.

سال سوم ■ شماره ۷۷۲

ریتم

آثار قدما ما را در اجرای موسیقی ایرانی کمک می‌کند

همایش قطب‌الدین شیرازی اول خردادماه‌در مجموعه فرهنگی آسمان کار خود را آغاز کرد.

داریوش طلایی در مراسم افتتاحیه‌ای که به این مناسبت برگزارشد، بو تارنوازی در دستگاه‌های موسیقی ایرانی پرداخت. او درباره ویژگی‌های دستگاه‌های موسیقی اتخالی‌اش برای این مراسم گفت: «من سال‌هاست به فعالیت و کار بر آثار قدما مشغولم و بر آنها تاکید دارم. دستگاهی هم که برای اجرای موسیقی در برنامه قطب‌الدین انتخاب کرده‌ام از دستگاه‌هایی است که شباهت‌های ویژه و زیادی به موسیقی قطب‌الدین شیرازی و گذشته دارد.»

طلایی سپس درباره بازسازی آثار قدما توضیح داد: «برای بازسازی آثار قدما باید فعالیت‌های تئوری و عملی کنار هم انجام شود تا بتواند به درستی بر اساس اصول پیش برود.» استاد موسیقی ایرانی با اشاره به اینکه درباره قطب‌الدین شیرازی و مکتب منظمیه تنها تحقیقات تئوریک صورت گرفته است، افزود: «در این باره تئوری‌هایی وجود دارد اما از طریق آنها این موسیقی را نمی‌توان بازسازی کرد. تئوری‌های پژوهشگران باید به شکلی درآید که بتواند بازسازی شود. این اسناد اصول کار را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند هنوز هم بعضی از بخش‌های موسیقی قدیم در دستگاه‌های ایرانی وجود دارد. در واقع پرده‌بندی و دستان‌بندی‌ها همان پرده‌بندی‌های امروز است و تفاوت فاحشی در آن دیده نمی‌شود.»

طلایی با تاکید بر اهمیت شناخت قدما برای هنرمندان حوزه موسیقی ایرانی گفت: «بسیاری از این آثار ما را در اجرای صحیح‌تر و بهتر و همین‌طور نوآوری در موسیقی کمک می‌کند. قرار نیست که تنها به اجرای این قطعات بپردازیم اما دانست و شناختن آنها ما را در اجرای موسیقی ایرانی کمک می‌کند.»

وی سپس از علاقه خود به شناخت سبک‌های قدیمی سخن گفت «از جوانی علاقه زیادی به شناخت قدما و تجربه سبک‌های آنان داشتم. زمانی که با دکتر پرکشی در مرکز موسیقی‌شناسی بودم بر آثار عبدالقادر مراغه‌ای، فرابی، ابن سینا و دیگر هنرمندان و تئوریسین‌های موسیقی کار کرده‌ام. حتی زمانی که به خارج از ایران رفتم و با موسیقیدانان ترکیه‌ای ارتباط گرفتم، از طریق اشتراکات فرهنگی و موسیقایی که داشتیم، این عروق موسیقی‌ها را دنبال کردم و بعضی از بخش‌های آن را به صورت عملی به اجرا درآوردم. تئوری و عمل باید درهم ادغام شود. ما در بخش عملی هم باید فعال‌تر ظاهر شویم. یعنی ذات و ماهیت موسیقی این‌طور است و باید به اجرا درآید.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش برگزاری چنین همایش‌هایی را مثبت برشمرد: «این همایش‌ها شخصیت‌های فرهنگی هنری قدیم را معرفی می‌کند که هیچ‌کس آثار انانی‌شانسانندو این قدیم‌اول است. در قدم‌های بعدی باید هنرمندان و موسیقیدانان برای شناخت این چهره‌های هنری فعالیت کنند.»

داریوش طلایی این روزها بیشتر به تدریس و تألیف کتاب مشغول است. او به‌رودی دو کارگاه آموزشی موسیقی ایرانی در یونان برگزار می‌کند: «اواخر ماه جولای در یونان و فرانسه کارگاهی برای معرفی موسیقی ایرانی برگزار می‌کنم. امروز علاقه و اشتیاق اروپاییان به یادگیری موسیقی‌های شرقی بیشتر است. این علاقه متأثر از اصالت موسیقی ایرانی است. موسیقی غربی در سال‌های اخیر اصالت خود را از دست داده‌است و هنرمندان اروپایی با فراگیری و آشنایی با موسیقی شرق می‌توانند ابعاد تازه‌ای به کار خود بدهند.» طلایی علاقه‌مندان اروپایی به موسیقی شرقی را در دو دسته قرار می‌دهد: «دسته اول دانشجویان مرکز تحقیقاتی هستند که بر موسیقی غراورپایی و شرقی کار می‌کنند. دسته دوم کسانی هستند می‌خواهند این موسیقی را یاد بگیرند. آنها معمولاً موسیقیدان هستند و می‌خواهند از این موسیقی در کارهای خود کمک بگیرند. استفاده از آنها، لزوماً برای تلقین این موسیقی نیست. آنها معتقدند این موسیقی و موسیقی غربی هم‌خانواده بوده و چون موسیقی غرب از گذشته فاصله زیادی گرفته‌است، از موسیقی شرق می‌توان برای کشف لطافت و ظریفی کمک گرفت.» پس از آن دیدر علمی همایش‌دار دکتر ابیر حسین پورچوادی از فدرواتی از زحمات دست‌اندرکاران برگزاری این همایش گفت: «بلون شک بدون زحمات هیات‌علمی این همایش دکتر مجید کیانی و هومان اسعدی نمی‌توانستیم این همایش را آن‌طور که شباهت است، برگزار کنیم. قطب‌الدین اولین شخصی است که آرا و نظرات مکتب منظمیه را با نظام آوازی موسیق این دوره ارائه کرده است. این آرا و نظرات در بخشی از کتاب درج‌الاحیه است.» او ادامه داد: «قطب‌الدین به علوم دیگر زمان خود نیز تبحر داشت. در همان اوایل وقتی کار را آغاز کردیم، متوجه شدیم حیث است که همایشی درباره او برگزار کنیم و به دیگر وجوه این شخصیت نپردازیم. از طرفی مدارکی که از فعالیت‌های موسیقی او برجای مانده کم و انگشت‌شمار است و تمام وجوه موسیقیت او را نشان نمی‌دهد. پس از آن با طب، نجوم، فلسفه و منطق این هنرمند نیز پرداختیم.» او با اشاره به کتاب دره‌التاج توضیح داد: «هیات علمی از ابتدا می‌خواست بررسی مفصلی بر کتاب قطب‌الدین داشته باشد که توسط شکاده طبسی نوشته شده است. اما این متن بسیار مغلوط است و تصحیح خوبی ندارد. بعد از بررسی‌های متفاوت متوجه شدیم عدد ۵ از تصحیح ۵ نسخه خطی آن وجود دارد. اما تهیه کردن و به دست آوردن آنها و متعاقب بررسی‌شان کار دشواری است که به سادگی قابل انجام نیست، به همین خاطر نمی‌توانستیم آن را همزمان با برپایی همایش ارائه کنیم. در حال حاضر مشغول جمع‌آوری هستیم که شاید در آینده بتوانیم آن را منتشر کنیم.» دبیر علمی همایش همچنین از چاپ یک مجموعه چهار جلدی برای «آیه دنبال کارهای تحقیقاتی که برای این همایش برگزار شد، یک مجموعه چهار جلدی درباره این موسیقی و مکتب منظمیه توسط محققان خارجی گردآوری و نوشته شده‌است که بیشتر مقالات آن را نونی باور و او رایت انجام داده‌اند.» حدود ۷۰ درصد کارات گردآوری ترجمه و ویرایش شده است و امیدواریم بتوانیم این مجموعه را با پایان تابستان منتشر کنیم. در دست علاقه‌مندان قرار بدیم.»